

بررسی سرمایه فرهنگی-اقتصادی خانوادگی و سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

کد مقاله: ۶۶۴۲۶

توفیق محمدی بخشمند^۱، پروانه دانش^۲

چکیده

هدف این تحقیق، مطالعه و شناسایی چگونگی سازه‌های سرمایه فرهنگی و سبک زندگی، با شاخص‌های سنت مداری، نوگرایی و تلفیق گرایانه و بررسی رابطه‌ی متقابل این سه گونه‌ی ارزشی-نگرشی با این دو سازه است. روش توصیفی-همبستگی و جامعه‌ی آماری، دانشجویان هنرهای سنتی است و جمعیت نمونه از بین دانشجویان دانشگاه‌های هنر تهران، دانشگاه هنر سوره و دانشگاه هنر شاهد انتخاب شدند. تعداد کل جامعه آماری ۳۷۰ نفر بوده و حجم نمونه ۱۸۸ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد؛ سبک زندگی دانشجویان بیشتر تلفیقی و مدرن شده است. همچنین یافته‌های تحقیق مبین این مهم است که دانشجویان حتی با اوقات فراغت و مدیریت بدن و مصرف محصولات فرهنگی نوگرایانه، گرایش‌های سنتی خود را، با انتخاب رشته‌ی تحصیلی هنرهای سنتی نمایان کرده‌اند و اینکه درصد بالایی از دانشجویان در سبک زندگی، سنت و مدرن را ترکیب کرده‌اند. دست آورد تحقیق این است که در جامعه‌ی مطالعه شده، مناسبات بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی - البته نه به صورتی که پیربردیو در نظر داشت - بلکه با لحاظ شاخص‌های سنت مدارانه، نوگرایانه و تلفیق گرایانه، تایید شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی سنتی / مدرن / تلفیقی؛ سبک زندگی سنتی / مدرن / تلفیقی؛ سرمایه اقتصادی؛ بازتولید فرهنگی

*- این مقاله از رساله کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۵ استخراج شده است.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

tofighbakhshmand@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

آیا با ورود مظاهر مدرن که بیشتر، در سرمایه‌های فرهنگی و سبک زندگی نمود عینی پیدا می‌یابد، هویت و سنت‌ها از زندگی مردم رخت برمی‌بندند. مطالعات جامعه‌شناختی دو دهه‌ی گذشته از دگرگونی هویت‌های فردی و اجتماعی و سنت‌ها و تغییرات سبک زندگی دانشجویان از سنتی به مدرن خبر می‌دهند.

پژوهش‌های نیازی (۱۳۸۶)، ابراهیمی، بهنویی‌گدنه (۱۳۸۷: ۱۴۹)، خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۳: ۱۱۶)، شهابی (۱۳۸۶)، گروسی و همکاران (۱۳۹۱)، زارع، فلاح (۱۳۹۲)، رحمت‌آبادی و آقابخشی (۱۳۸۵)، شالچی (۱۳۸۷)، فاضلی (۱۳۸۶)، کفاشی و دیگران (۱۳۸۹)، ازکیاو رودبارکی (۱۳۸۹)، هاشمیان‌فر و هاشمی (۱۳۹۲) و نیز منادی (۱۳۸۶)، غفاری (۱۳۸۷)، نوریخس (۱۳۸۷)، خدایی (۱۳۸۸)، حسین زاده (۱۳۸۸)، ابراهیمی (۱۳۸۹)، شارع پور (۱۳۸۱)، محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، آزاد ارمکی و شالچی (۱۳۸۴)، آزاد ارمکی و ملکی (۱۳۸۶) نشان‌گر وجود گونه‌های مختلف در سبک زندگی جوانان بود و دگرگونی هویتی آنان را در برداشت. تغییراتی که به نوعی بیان‌کننده‌ی کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنت مداری و هویت‌های مذهبی و دینی در مقابل ارزش‌های مدرن در میان مردم است.

در ایران امروز، عمومیت یافتن سبک زندگی مدرن و کم‌رنگ شدن سبک زندگی سنت مدار، جزو اساسی‌ترین مسائل اجتماعی محسوب می‌شود و هزینه‌های هنگفتی در زمینه‌ی ایجاد سبک زندگی صورت می‌پذیرد. کشور ایران به جهت وجود سلاقی، گرایش‌ها، تمایلات و نگرش‌ها و نیز فرهنگ‌ها و اقوام متنوع و سنت‌های مختلف، دارای سبک‌های زندگی است. به نظر می‌رسد به صورت کلی تر، افراد سبک زندگی را در سه قالب کاملاً سنتی، کاملاً مدرن و یا تلفیقی که نسبت‌هایی از آن دو را داشته باشد، انتخاب می‌کنند.

آیا در واقعیت، این گونه است و اگر جواب مثبت است، سرمایه فرهنگی خانوادگی ایشان چه نسبتی با نوع سبک زندگی آنها پیدا می‌کند؟

آیا سرمایه فرهنگی (ارزشی - نگرشی) خانواده در سبک زندگی افراد انتقال و بازتولید می‌شود و اساساً نسبتی بین سرمایه فرهنگی ۱ و سبک زندگی (به لحاظ ارزشی - نگرشی) وجود دارد؟ با توجه به دیدگاه بوردیو ۲ سبک زندگی متأثر از میزان سرمایه‌های فرهنگی خانوادگی است، آیا میتوان گفت سبک زندگی متأثر از سازه‌های هویتی و ارزش مدارانه‌ی سرمایه‌های فرهنگی خانواده نیز هست؟

جهت بررسی نحوه‌ی شکل‌گیری نوع سبک زندگی دانشجویان (به لحاظ ارزشی - نگرشی)، مطالعه‌ی گونه‌های ارزشی - نگرشی زمینه‌ی خانوادگی از طریق نوع سرمایه‌های فرهنگی سنت‌گرایانه و نوگرایانه‌ی خانواده و ارتباط آن با گونه‌ی انتخابی سبک زندگی مهم بود. این موضوع اهمیت داشت که، آیا سبک زندگی دانشجویان، از زمینه‌ی ارزشی و نگرشی سرمایه‌های فرهنگی خانوادگی، به سبک زندگی آنها انتقال یافته است و موجب بازتولید فرهنگ پایگاهی با چنین گونه‌ی ارزشی و نگرشی (سنتی - مدرن) شده است یا خود دانشجویان سبک زندگی خویش را انتخاب کرده‌اند؟

به این منظور از دو متغیر سرمایه فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی با شاخص‌های سنت مداری، نوگرایی و تلفیق‌گرایانه، جهت مطالعه‌ی همبستگی آن دو بهره برده شد.

از نظر پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، سرمایه‌های فرهنگی در برگیرنده‌ی تمایلات فرد است یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش‌های مشروع است (بوردیو، ۱۳۸۶: ۴۷). بنابراین بوردیو در نظریه‌ی کنش خود، هدف از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی را، ارائه‌ی سازوکار پیچیده‌ای می‌داند که از طریق آن نهادهای آموزشی (خانواده و مراکز آموزشی) موجب بازتولید نحوه‌ی توزیع سرمایه‌ی فرهنگی می‌شوند و به دنبال آن بازتولید ساختار فضای اجتماعی یا به عبارت دیگر بازتولید ترکیب طبقات اجتماعی انجام می‌گیرد (بوردیو، ۱۳۸۱: ۸۳). برطبق نظر او سرمایه فرهنگی: شامل: «...سلیقه‌های خوب، شیوه و راه و رسم پسندیده و پیچیده‌ی شناختی، شناسایی و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات ...» است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۹). سرمایه‌ی فرهنگی طبقات و گروه‌ها، برحسب ویژگی‌های طبقاتی آنها چارچوب شناختی و نیز مذهبی مهیا می‌سازد که توضیح دهنده‌ی رفتار مصرفی آنهاست.

از نظر بوردیو سبک زندگی محصول منظم سرمایه‌های فرهنگی است که به نوبه‌ی خود، به نظام‌هایی از نمادها و نشانه‌ی تشخص اجتماعی تبدیل می‌شوند (سیدمن ۱۳۸۱: ۱۲۳) و این نمادها و نشانه‌ها در قالب سرمایه فرهنگی، باز تولید می‌شوند که بوردیو آن را بازتولید فرهنگی ۳ نامیده‌است. از دید بوردیو، خانواده‌های طبقات بالا که سرمایه فرهنگی (ابعاد تجسیدی ۴، عینیت یافته ۵ و نهادینه شده یا تحصیلی ۶)، به میزان زیادی انباشت کرده‌اند در رقابت با افراد طبقات متوسط و پائین قادرند طبقه و نوع خاص سبک زندگی خود را بازتولید کرده و همچنان موفقیت و سلطه طبقاتی خود را مشروعیت بخشند. مبنای تحقیق حاضر، تقسیم بندی‌های طبقاتی بوردیو از لحاظ سبک زندگی و بر اساس ترکیب و میزان بالای سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و

1 - Cultural Capital
2 - Bourdieu, Pierre
3 - reproduction cultural
4 - embodied cultural capital
5 - objective cultural capital
6 - institutionalized cultural capital

فرهنگی که این طبقات دارند، نیست. از نظر بورديو منشاء این سرمایه‌ها خانواده است و از آن طریق طبقه‌ی خود را باز تولید می‌کنند

با توجه به این مطالعات و تعاریف، سرمایه‌های فرهنگی خانواده و سبک زندگی با سه شاخص سنت مدارانه، نوگرایانه و تلفیق‌گرایانه عملیاتی شده و سنجیده شد تا ضمن مطالعه‌ی گونه‌های سبک زندگی با معیار این سه شاخص، رابطه‌ی آن با سرمایه فرهنگی نیز بررسی شود.

پژوهش‌های مربوط به سرمایه‌ی فرهنگی در ایران از جمله تحقیقات منادی (۱۳۸۶)، نوغانی (۱۳۸۱)، غفاری (۱۳۸۷)، نوربخش (۱۳۸۷)، خدایی (۱۳۸۸)، حسین زاده (۱۳۸۸)، ابراهیمی (۱۳۸۹)، شارع پور (۱۳۸۱)، محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، ارمکی و شالچی (۱۳۸۴)، ارمکی و ملکی (۱۳۸۶) و... بر اساس ابعاد سه‌گانه مورد نظر بورديو شاخص سازی و عملیاتی شده و مطالعات انجام شده است، اهمیت این تحقیق از آن نظر است که می‌کوشد، سرمایه فرهنگی و ابعادش را از لحاظ سنت مداری و نومداری نیز شاخص سازی کند. شاخص‌هایی که می‌توان بر اساس آن سرمایه فرهنگی را با نگاه به فرهنگ بومی سنجید و همچنین روابط گونه‌های سرمایه‌های فرهنگی (سنت مدار و نوگرا) را با متغیرهای دیگر - در این تحقیق «سبک زندگی» - بررسی کرد.

از سویی اهمیت این تحقیق به این لحاظ است که طی بررسی پیشینه‌های تجربی تحقیق، هیچ تحقیقی که همبستگی و ارتباط سرمایه فرهنگی (نگرشی - ارزشی) خانوادگی و سبک زندگی فردی، بر اساس موقعیت عاملان و جوانان و خط سیری را که موجب شده آنها این موقعیت را اشغال کنند و موجب تمایزات گردد، تا زمان انجام این تحقیق، مورد بررسی قرار نگرفته بود. به خصوص با توجه به گوناگونی سیر زندگی خانوادگی (برناردز، ۱۳۹۰: ۳۵) و تاریخی که جوانان و افراد ممکن است داشته باشند.

دیگر اینکه، در پژوهش‌های داخلی، مفهوم سرمایه فرهنگی در قالبی مشابه با تقسیم بندی بورديو به طور یکسان و بدون بازنگری مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع مرور تحقیقات نشان می‌دهد، در پژوهش‌های خارجی به زمینه‌های فرهنگی در سنجش سرمایه فرهنگی توجه شده بود. این در حالی است که در پژوهش‌های تجربی داخلی معرفت فرهنگی و بومی مورد غفلت و بی توجهی واقع شده است. معرفت فرهنگی آن دسته از اطلاعاتی هستند که از هر فردی انتظار می‌رود از آنها برخوردار باشد و معمولاً از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند (رضایی، تشویق، ۱۳۹۱: ۳۱). در این تحقیق به دنبال سنجش سبک زندگی با شاخص‌های سنت/مدرن/تلفیقی و سرمایه فرهنگی با شاخص‌های سنتی/مدرن/تلفیقی (محقق ساخته) با توجه به معرفت و سازوکار بومی هستیم.

۲- سوالات تحقیق

- ۱- سرمایه‌های فرهنگی خانوادگی دانشجویان هنرهای سنتی به لحاظ سنتی/مدرن/تلفیقی چگونه است؟
- ۲- سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی به لحاظ سنتی/مدرن/تلفیقی چگونه است؟
- ۳- سرمایه اقتصادی دانشجویان هنرهای سنتی چگونه است؟
- ۴- همبستگی بین سرمایه فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی چگونه است؟
- ۵- همبستگی بین میزان سرمایه‌ی اقتصادی خانوادگی دانشجویان و نوع سبک زندگی آنان چگونه است؟

۳- چارچوب نظری

در چارچوب مفهومی به منظور توصیف سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی، از شاخص‌های سبک زندگی که دارای سه بعد رفتاری، نگرشی، ترجیحات و انگیزه‌ی مصرف است (مجدی و همکاران، ۱۳۸۹) استفاده شد. بورديو در باره شکل گیری سبک‌های زندگی، نظریه‌ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدل او، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می‌شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم یافته‌ی ترجیحات افراد است که به صورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۶).

استفاده از نظریه‌ی گیدنز، بخش دیگری از چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهد، او انسان را به عنوان عامل در شکل گیری هویتش موثر می‌داند و معتقد است انسان تحت فشار ساختار اجتماعی، سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند و سبک زندگی‌اش را در زندگی روز مره و در یک فرهنگ مشخص تعریف شده انتخاب می‌کند (مجدی و همکاران، ۱۳۸۹، بنت ۱۳۸۶: ۸۳).

در این تحقیق؛ سبک زندگی نه به مثابه طبقه و منزلت اجتماعی (بورديو، وبر) بلکه، تلقی از سبک زندگی در مقام مصرف و نیز هویت (ابادری، چاوشیان، ۱۳۸۱) و به مثابه فرهنگ و خرده فرهنگ (ذکایی، ۱۳۸۱)، (ممتاز، ۱۳۸۳)، (اعظم آزاده، ۱۳۷۹) بررسی شده است.

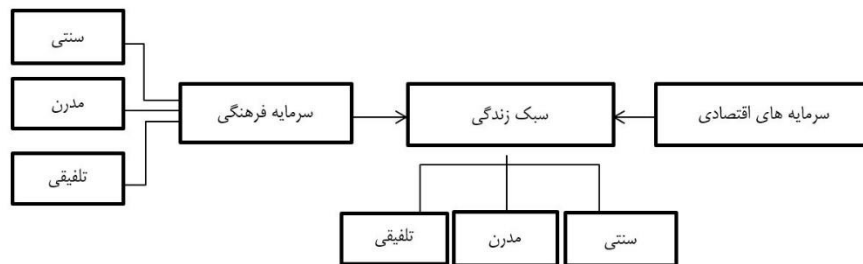
جهت توصیف سرمایه فرهنگی نیز، از مفاهیم گروهی از نظریه پردازان سرمایه فرهنگی استفاده شده است از جمله دیدگاه بوردیو، چراکه از نظر او نوع سبک زندگی محصول منظم سرمایه فرهنگی است که به نوبه‌ی خود به نظام‌هایی از نشانه‌ی تشخص اجتماعی تبدیل می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۱) و منبع و خاستگاه سرمایه فرهنگی را خانواده و نظام آموزشی می‌داند. بوردیو معتقد است، خانواده‌های طبقات بالا که سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بالا، قدرت و توانایی شناخت نمادها و معانی را پیدا کرده و از این طریق ذائقه‌ها و سلاقی و ارزش‌های فرهنگی خود را تحمیل و باز تولید می‌کنند و به این وسیله خانواده‌هایی که بالادست هستند، موفقیت‌ها و ارزش‌هایشان تداوم می‌یابد (سیدمن، ۱۹۹۰:۱۳۸۶).

دیدگاه دیوید تراسبی نیز جهت توجیه و توصیف سنت مداری و نوگرایی سرمایه فرهنگی مورد توجه بوده است. به اعتقاد تراسبی^۱، ارزش‌های فرهنگی در قالب سرمایه‌های فرهنگی ملموس^۲، از طریق تکتیر و پایداری سنت‌ها حفظ می‌شوند. از نظر او سرمایه‌های فرهنگی واجد ارزش‌های معنوی و زیبایی شناختی و نمادین هستند (تراسبی، ۱۳۹۲). همچنین دیماجو نیز در چارچوب مفهومی تحقیق مورد توجه بوده است. طبقه در نظر او، یک گروه به معنای واقعی و شامل روابط شخصی نیست، برعکس، پایگاه از مشارکت افراد در گروه و فرهنگ آن و یا به عبارت دیگر از انتظارات رفتاری پذیرفته شده، قابل تفکیک نیست. فرهنگ پایگاهی سبب پیوستگی گروهی و تمایز آن از سایر گروه‌ها در جامعه می‌گردد. (اعظم آزاده ۱۳۷۹ و آزاد ارمکی، ملکی ۱۳۸۶). این دیدگاه بوردیو به محقق کمک کرد تا از مفهوم پایگاه منزلتی و فرهنگ پایگاهی به عنوان یکی از مفاهیمی که طبق آن می‌توان گروه هنرمندان سنتی را در یک گونه از پایگاه اجتماعی تحت عنوان پایگاه منزلتی قرار داد، استفاده نماید و مورد مطالعه قرار دهد. همچنین با بررسی نوع سرمایه فرهنگی ایشان، به فرهنگ پایگاهی آنها پی برد.

۴- فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد، بین سرمایه فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی همبستگی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان سرمایه‌ی اقتصادی خانوادگی دانشجویان و سبک زندگی آنان همبستگی وجود دارد.

۵- مدل تحلیلی تحقیق



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

۶- روش تحقیق

این تحقیق از نوع کمی بوده و جامعه‌ی آماری آن کلیه‌ی دانشجویانی هستند که در رشته‌های مرتبط با هنرهای سنتی، شاغل به تحصیل می‌باشند و دانشجویان رشته‌های هنرهای سنتی از جمله؛ هنرهای اسلامی (با بالاترین تعداد ۵۷/۳)، صنایع دستی و فرش را در بر می‌گیرند. با توجه به پراکندگی رشته‌ها و گرایش‌ها و مقاطع مختلف هنرهای سنتی و گستردگی این رشته‌ها در دانشگاه‌های مختلف، نمونه‌ی آماری از بین دانشجویان دانشگاه‌های هنر تهران، دانشگاه سوره و دانشگاه شاهد و در بهار سال ۱۳۹۴ انتخاب شدند. تعداد کل دانشجویان این دانشگاه‌ها که در گرایش‌های مرتبط با هنرهای سنتی و در مقاطع تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس شاغل به تحصیل ۳۷۰ نفر بودند. به منظور برآورد حجم نمونه از روش کوکران استفاده و حجم نمونه ۱۸۸ نفر تعیین شد. جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. روش تحقیق پیمایش بوده و از تکنیک پرسشنامه (لیکرت پنج درجه‌ای) برای جمع‌آوری داده‌ها بهره برده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی این تحقیق از طریق آمار توصیفی و آمار استنباطی و از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و سازه‌های سرمایه فرهنگی و سبک زندگی، از طریق شاخص سنتی/مدرن سنجیده شده است. جهت برآورد تلفیقی بودن سرمایه‌های فرهنگی و سبک زندگی در تحقیق حاضر، در پرسشنامه‌هایی که پاسخ افراد به سوالات، گزینه‌ی تا حدودی (نمره ۳) بوده است، تلفیقی محسوب شده است.

1- David Throsby
2- Tangible cultural capita

اعتبار پرسشنامه‌ها صورتی بوده و تعدادی از اساتید حوزه هنرهای سنتی و جامعه‌شناسی سنجش روایی آن را به عهده گرفتند. پایایی یا ضریب آلفای کرونباخ این تحقیق به تفکیک متغیرها و مؤلفه‌های آن به شرح جدول زیر (جدول ۱) می‌باشد.

جدول ۱: ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
سرمایه اقتصادی	۰/۸۸۸
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۸۱۰
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۸۱۰
سرمایه فرهنگی درونی شده	۰/۸۲۲
سبک زندگی	۰/۸۵۶

۷- نتایج و تحلیل یافته‌ها

نتایج توصیفی این تحقیق نشان می‌دهد سرمایه‌های فرهنگی خانواده‌های دانشجویان با درصد بالایی مدرن و تلفیقی است. سرمایه فرهنگی مدرن حدود ۴۱ درصد و تلفیقی حدود ۴۷ درصد و سرمایه فرهنگی سنتی نیز با حدود ۱۶ درصد پایین‌ترین بوده است.

سبک زندگی دانشجویان نیز حدود ۱۷ درصد سنتی، ۴۱ درصد مدرن و ۴۲ درصد تلفیقی (سنتی - مدرن) بوده‌اند. نتایج سبک زندگی تلفیقی بیان می‌کند، دانشجویان دارای علایق و گرایش‌های سنت مدارانه هستند که در سبک زندگی و سرمایه‌ی تحصیلی، نمود عینی دارد. نتیجه‌ی تحقیق بیان می‌کند، حتی اگر سبک زندگی دانشجویان مدرن باشد، انتخاب‌شان سرمایه‌ی تحصیلی سنت مدارانه است و در سبک زندگی اکثریت آنها، سنت جایگاهی ویژه دارد و آن را با مدرن ترکیب کرده‌اند و این انتخاب و تلفیق با درصد بالایی با روحیات ایشان (که از طریق دو پرسش حاصل شد ۹۶ و ۹۸ درصد) سازگاری دارد. درخصوص وضعیت سبک زندگی از لحاظ سنت مداری و نوگرایی و تلفیق گرایانه نیز، نتایج نشان می‌دهد اکثریت دانشجویان، دارای سبک زندگی تلفیق گرایانه‌اند و سنت و مدرن را ترکیب کرده‌اند. ماحصل این پژوهش تأیید کننده‌ی وجود اشکال مختلف و فراوانی از تلفیق، در تاریخ فرهنگی این کشور و تکرار آن در این تحقیق است که گونه‌ای از تلفیق‌ها در سبک زندگی و سرمایه فرهنگی را نمایان می‌کند.

در این مطالعه، یافته‌های توصیفی در زمینه‌ی سرمایه فرهنگی و سبک زندگی سنتی/مدرن/تلفیقی، بیان می‌کند که در فضای فرهنگی خانواده‌ها شاهد مد و سلیقه التقاطی، تعامل امر ملی، مذهبی و جهانی هستیم. ویژگی‌هایی که بارها در پژوهش‌های اجتماعی خود را نشان داده است. این خصوصیت‌ها از نظر «دیوید لایون» و «آلن تورن»، از ویژگی‌های سبک زندگی پسامدرن است (آزاد ارمکی، شالچی ۱۳۸۴).

توصیف متغیرهای تحقیق نشان داد که سرمایه‌های فرهنگی و سبک زندگی، بیشتر تلفیقی و مدرن بوده و کمتر به تمام معنی سنتی بوده‌اند. تحقیق نشان می‌دهد سرمایه‌های فرهنگی خانواده‌ی هنرمندان بیشتر تلفیقی است و در سبک زندگی تلفیقی نیز سنت‌ها هنوز جایگاه ویژه خود را دارند. چنین برآیندی، بیان کننده‌ی این واقعیت است که سنت‌ها کاملاً از میان نرفته است و در ذهن و سبک زندگی مردم حضور دارند.

نتیجه حاصله با دیدگاه دیماجیو نزدیک تر است. او بر دوام و ماندگاری ارزش‌های سنتی به رغم وقوع تغییرات سیاسی اقتصادی تأکید می‌کند. پیش فرض این مکتب آن است که ارزش‌ها به طور نسبی از شرایط اقتصادی مستقل هستند (دیماجیو، ۱۹۹۴). از این رو پیش بینی می‌شود که همگرایی حول مجموعه‌ای از ارزش‌های مدرن غیر محتمل است و ارزش‌های سنتی نفوذ مستقلی بر تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه اقتصادی خواهند داشت (آزاد ارمکی، ملکی ۱۳۸۶: ۱۰۰ به نقل از اینگه‌ارت، بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰).

مطالعات توصیفی حاکی از این است که به نظر می‌رسد؛ صرف استفاده از شاخص‌های میزان اوقات فراغت و مصرف فرهنگی و مدیریت بدن نوگرایانه، نمی‌توان به از میان رفتن هویت‌های اجتماعی و سنت‌ها حکم داد. همچنین نمی‌توان از طریق ملاحظه و سنجش میزان استفاده از دست آوردها و فراغت‌های مدرن در سبک‌های زندگی، به این نتیجه رسید که علایق سنتی (ایرانی-اسلامی) از گرایش‌های نسل جدید رخت بر بسته و هویت‌ها از میان رفته‌اند.

فارغ از اینکه جوانان طبیعتاً به اقتضای سن ممکن است در یک دوره‌ای خاص گرایش‌هایی به مظاهر مدرن از خود نشان داده باشند، اما این رفتار و گرایش، بیان کننده‌ی از میان رفتن سنت‌ها و رنگ مدرن گرفتن گرایش‌های ارزشی جوانان به صورت کامل و تا ابد نیست. باتوجه به این تحقیقات بود که جوانان مورد قضاوت قرار گرفتند و نگرانی از میان رفتن سنت‌ها در سبک زندگی، روز به روز افزایش یافت.

در خصوص یافته‌های آماراستنباطی باید گفت؛ نتایجی که از آزمون فرضیه‌ها حاصل گردید عبارت است از:

الف- بین سرمایه‌های فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی دانشجویان به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج و یافته‌ها بیان‌کننده رابطه‌ی معنا دار بین سرمایه فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی به عنوان فرضیه اول است (جدول ۲). براساس این یافته‌ها می‌توان گفت هر چقدر سرمایه فرهنگی خانوادگی به سمت سنتی بودن باشد به همان سمت نیز، سبک زندگی سوق پیدا می‌کند و از طرفی هر چقدر سرمایه فرهنگی مدرن باشد به همان سو نیز، سبک زندگی جهت پیدا می‌کند.

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین سرمایه‌های فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	همبستگی	تعداد	P
سرمایه فرهنگی خانوادگی	سبک زندگی	۰/۷۸۹	۲۰۰	۰/۰۰۰

ب- بین میزان سرمایه‌ی اقتصادی خانوادگی دانشجویان و سبک زندگی آنان به لحاظ آماری رابطه معنا داری وجود دارد. نتایج و یافته‌ها نشانگر عدم رابطه‌ی معنا دار، بین دو متغیر بود (جدول ۳). نتیجه‌ی حاصله این بود که بین سرمایه‌ی اقتصادی با سبک زندگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. برای این دو، رابطه‌ی فرض محقق - که همان وجود رابطه‌ی معنادار بود- رد شد و فرض صفر تایید گردید.

جدول ۳. همبستگی پیرسون بین سرمایه اقتصادی (پایین / متوسط / بالا) و سبک زندگی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	همبستگی	تعداد	P
سرمایه اقتصادی	سبک زندگی	۰/۱۷۴	۲۰۰	۰/۲۵۱

مطابق یافته‌های آمار استنباطی تحقیق؛ فرضیه‌ی رابطه‌ی بین دو متغیر سرمایه فرهنگی با سبک زندگی تصدیق شده است. آن در حقیقت تایید چارچوب نظری تحقیق است. با این تفاوت که، اگر بر طبق دیدگاه بورديو این رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی (بالا / متوسط / پایین) با سبک زندگی (بالا / متوسط / پایین) پذیرش شده و موجب باز تولید فرهنگی تمایزها شده است (بورديو ۱۳۸۴). در تحقیق حاضر اما، این رابطه و همبستگی با شاخص‌های سنت مداری و نوگرایی تایید گردیده است و بازتولید در حوزه‌ی ارزشی - نگرشی اتفاق افتاده است. نتایج نشان می‌دهد، گونه‌ای از سرمایه‌های فرهنگی، همان نوع از سبک زندگی و فرهنگ پایگاهی را نیز باز تولید کرده است و لاقط در این گروه از خانواده‌ها و افراد تغییرات آنچنانی و شکاف نسلی اتفاق نیفتاده است. بورديو در دیالکتیک تمایز از رابطه‌ی دیالکتیکی شرایط زمینه (میدان) و منش (عادت) که در سبک زندگی خود را نمایان می‌کند و محصول عادت است، سخن می‌گوید (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۷۲). از نظر بورديو چنین رابطه‌ای سبب تغییر در توزیع رابطه‌ی قدرت در جامعه می‌شود و سیستمی از تفاوت‌های ادراک شده و دارایی‌ها و سرمایه‌های متمایز شده، ایجاد می‌کند (بورديو: همان). در این پژوهش، این دیالکتیک، موجب ایجاد تمایزها در سنت مداری، نوگرایی و گونه‌ی تلفیقی شده است. بر اساس نظر بورديو سبک زندگی، سرمایه‌ها و دارایی‌های هائیسست که به وسیله اشغال کنندگان موقعیت‌های مختلف، خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از {دیگران} تمایز می‌بخشند (بورديو ۱۹۸۴: ۲۲۹). این درحالی است که در تحقیق حاضر در انتخاب سبک زندگی قصدی جهت متمایز شدن از دیگران وجود نداشته است و افراد به جهت شرایط موجود در زمینه، نوع سبک زندگی و نیز مطابق با علایق‌شان و اقبال همسو بودن سرمایه‌های فرهنگی خانواده با علایق آنها، نوع رشته‌ی تحصیلی را انتخاب کرده‌اند. نتایج تحقیق بیان‌گر این مهم است که سنخ گرایش‌های حاکم در خانواده، به برخی از فرزندان که اتفاقاً علاقمند به هنر یا سرمایه فرهنگی خاص خانواده بوده‌اند، انتقال پیدا کرده است.

همچنین در تحقیق حاضر رابطه‌ی بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی دانشجویان تایید نشد. در تحقیقات داخلی و در پژوهش‌های شعبانی و همکاران (۱۳۹۱)، ارمکی شالچی (۱۳۸۴) و... نیز این رابطه رد شده است. اما در مقابل در تحقیقات مجدی و همکاران (۱۳۸۹)، صداقت زادگان و فردرو (۱۳۷۸) و غائب و همکاران (۱۳۸۶)، رابطه معنا دار بوده است.

در دیدگاه بورديو سبک زندگی محصول منظم سرمایه فرهنگی است، که به نوبه‌ی خود به نظام‌هایی از نشانه‌ی تشخص اجتماعی تبدیل می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۱) و منبع و خاستگاه سرمایه فرهنگی را، خانواده و نظام آموزشی می‌داند. بورديو معتقد است خانواده‌های طبقات بالا، که سرمایه‌های فرهنگی و به خصوص اقتصادی بالا دارند، قدرت و توانایی شناخت نمادها و معانی را پیدا کرده‌اند و از این طریق ذائقه‌ها، سلايق و ارزش‌های فرهنگی خود را تحمیل و بازتولید می‌کنند، به این وسیله خانواده‌ی بالا دست، موفقیت‌ها و ارزش‌های خود را تداوم می‌بخشند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۹). و این از طریق خانواده و آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد. در مورد خانواده و بازتولید فرهنگی پیر بورديو با رویکرد تلفیقی و با در نظر گرفتن یک رابطه‌ی دیالکتیک میان عاملیت و ساختار به بررسی مفهوم بازتولید می‌پردازد. از نظر بورديو خانواده در حفظ و تداوم نظم اجتماعی در بازتولید نقش مهمی بازی می‌کند نه فقط بازتولید زیست شناختی [تولید مثل] بلکه بازتولید اجتماعی یعنی در بازتولید ساختار فضای اجتماعی و روابط اجتماعی (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۸۹). اما در این تحقیق و لاقط بین این گروه از دانشجویان و این قشر از افراد که مورد مطالعه قرار

گرفتند، این فرضیه تایید نشده است. چرا که یافته‌های تحقیق عدم وجود رابطه بین سرمایه اقتصادی (خانواده‌ها اکثراً متوسط بودند) با سبک زندگی را نشان می‌دهد.

اما در جستار حاضر مناسبات بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی، بنا بر نظر بوردیو مورد تایید قرار گرفت و تفاوت در این است که دانشجویان، سبک زندگی خود را تحت تاثیر خانواده‌ی خود انتخاب (نظرگیدنز) کرده‌اند. آنچه مطالعات نشان می‌دهد این است که بازتولید نه به جبر ساختاری زمینه و میدان و خشونت نمادین (بوردیو)، بلکه با انتخاب عاملیت (بنا به نظر گیدنز) صورت پذیرفته است.

در تحلیل وضعیت سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی می‌توان گفت: (در جامعه ایرانی که مصرف مدرن غلبه دارد)، دانشجویانی که زمینه‌ی خانوادگی‌شان دارای سرمایه‌های فرهنگی سنتی / مدرن / تلفیقی بوده‌است، در سبک زندگی‌شان نیز همان گرایش‌ها را انتقال و بازتولید (بوردیو) کرده‌اند. اما گرایش‌ها در سبک زندگی‌شان را با دل‌بستگی، برگزیده‌اند (خصلت جامعه مدرن بنا به نظر گیدنز).

همچنین در تحقیق حاضر، همبستگی بین دو گونه ارزشی - نگرشی با نمادها و علائم و هنجارها، با معانی که افراد به آنها می‌دهند و با انتخاب کالاهای فرهنگی و عمل به رفتار خاص در سازه‌ی سرمایه فرهنگی و سبک زندگی به منصفه ظهور می‌رسانند، به طوری که در هر دو سازه مشترک باشند، تایید شده است.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های بسیاری از جامعه‌شناسان در مورد سبک زندگی طی بیست سال گذشته، نشان از گونه‌های مختلف در سبک زندگی جوانان و نیز تغییرات هویتی آنان داشت. تغییراتی که به نوعی بیان‌کننده‌ی کم رنگ شدن ارزش‌های سنت مدارانه و هویت‌های مذهبی و دینی در مقابل ارزش‌های نوگرایانه در میان مردم بوده است.

مشاهدات محقق خلاف این موضوع را بیان می‌کرد. تجربه‌ی محقق از گروه‌های هنری و فرهنگ پایگاهی آنها، که رشته و فعالیت‌شان، هنرهای سنتی است، نشان می‌داد که شیوه و سبک زندگی برخی از آنها نیز با معیارهای زندگی مدرن مطابقت دارد، این در حالی است که همه دغدغه‌ها و فعالیت‌ها و کار و اشتغال آنها سنتی است. جهت بررسی چگونگی و همچنین وضعیت سبک زندگی دانشجویان از لحاظ سنت‌مداری، نوگرایی و تلفیقی و رابطه‌ی آنها با سرمایه‌های فرهنگی خانواده و نحوه‌ی بازتولید و نیز تغییرات نسلی و کم رنگ شدن سنت‌ها یا عدم رنگ شدن آن، همچنین انتخابی یا عدم انتخابی بودن سبک زندگی، این تحقیق انجام گرفت.

جهت توصیف وضعیت سنت‌مداری و نوگرایی سبک زندگی دانشجویان هنرهای سنتی، از دیدگاه‌های نظریه پردازانی همچون زمبل، وبر، بوردیو، گیدنز و داگلاس هالت استفاده شد. برای توصیف وضعیت سرمایه‌های فرهنگی خانواده‌ها و رابطه‌ی آن با سبک زندگی و باز تولید آن، از نظریه‌ی پیر بوردیو و با هدف توصیف بُعد ارزش‌مداری سرمایه‌های فرهنگی خانواده‌ها، از نظریه‌ی سرمایه‌های فرهنگی دیوید تراسبی (۱۳۹۲) و تعاریف و تقسیم بندی وی از سرمایه فرهنگی به ناملموس و ملموس بهره برده شد.

در چارچوب نظری برای مطالعه‌ی همبستگی و رابطه‌ی بین سرمایه فرهنگی خانواده با سبک زندگی از دیدگاه بوردیو استفاده شد (بوردیو ۱۹۸۴). با توجه به اینکه در این پژوهش، هدف بررسی نحوه‌ی انتقال یا عدم انتقال ارزش‌ها و نگرش‌ها از خانواده، به فرزندان بود، به این منظور سرمایه فرهنگی در سه قالب ارزشی - نگرشی سنت‌گرایانه، نوگرایانه و تلفیقی شاخص‌سازی گردید. در جستار حاضر انتخاب چارچوب نظری بوردیو، با هدف آزمون درستی و صحت مبانی نظری بوردیو بی ریزی نشده است، بلکه تحقیق قصد دارد با پذیرفتن ابعاد سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های مورد نظر او، شاخص‌های مناسبی را در راستای اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی وی در کشور ارائه نماید. به این منظور تحقیق به دنبال ترسیم موقعیت فعلی جامعه و فرهنگ بومی آن است تا از این طریق بتوان مقیاسی جهت بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی و چگونگی ارتباط و تاثیرات آن با دیگر متغیرها از جمله سبک زندگی به وجود آورد. تحقیق با دوری گزیدن از تعمیم نظریه‌ی بوردیو در ایران - و تنها با استفاده از گزاره‌های وی - طبق تجربیات محقق، خواسته است رابطه‌ی دو متغیر و همچنین بازتولید یا تغییرات در سبک زندگی را - به گونه‌ای دیگر و به عنوان: «حالتی خاص از امر ممکن» - بسنجد.

بوردیو در مورد تعمیم روش خود در کشورهای دیگر در کتاب تمایز (۱۹۸۴) اینگونه توضیح می‌دهد:

«به عقیده من دست یافتن به یگانگی هر موضوع و ابژه‌ای، بدون دست کشیدن از سودای استنتاج گزاره‌های کلی، وجود دارد، و بی شک، فقط با استفاده از روش تطبیقی که ابژه‌ی خود را همچون «حالت خاص از امر ممکن» می‌نگرد، می‌توانیم امیدوار باشیم که از تعمیم ناروای این حالت خاص بهره‌ییم» (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۵).

با توجه به این که به نظر می‌رسد در ایران با دو فرهنگ سنتی و مدرن (و فرهنگ دوگانه‌ای که در این تحقیق از آن تحت عنوان تلفیقی نام برده‌ایم) مواجه هستیم، تحقیق حاضر سرمایه فرهنگی را در دو قسم سنتی / مدرن شاخص بندی کرد. مفهوم سرمایه فرهنگی سنتی / مدرن / تلفیقی تنها در تحقیق منادی قابل ملاحظه است. تحقیق منادی به دنبال اثبات صحت الگوی بوردیو است و شاخص سازی‌های او نیز از سرمایه‌های فرهنگی بر اساس درجه بندی و میزان بالا / متوسط / پایین صورت گرفته

است. تحقیق حاضر اما به دنبال درجه بندی فوق نبود بلکه شاخص‌های سرمایه فرهنگی را بر مبنای ارزشی و نگرشی (سنتی/ مدرن/ تلفیقی)، ساخته است و سرمایه فرهنگی را سنجیده است.

همچنین محقق به دنبال آزمون درستی مبانی عقیدتی بوردیو نیز نبوده است بلکه تلاش می‌کند ضمن پذیرش مؤلفه‌های بوردیو شاخص‌هایی که در کشور ایران برای سرمایه فرهنگی می‌توان شناسایی و ملاحظه کرد، معرفی نماید. علاوه بر این، توسط مدل بوردیو و با ترسیم شرایط موجود، بتواند بر مبنای الگوی بومی (بومی نگرانه)، سرمایه فرهنگی، به گونه‌های دیگر را نیز بسنجد.

در حقیقت منادی، میزان بالای سرمایه فرهنگی و ترکیب آن، و نیز امروزی بودن سرمایه فرهنگی را شاخص (والا بودن سرمایه فرهنگی) انتخاب کرده است و از این طریق نوگرایانه بودن فضای خانه را سنجیده است. او همچنین میزان پایین یا بالابودن سرمایه فرهنگی و ترکیب آن را، از لحاظ سنتی بودن (عامیانه بودن سرمایه فرهنگی)، شاخصی برای سنجش فضای سنتی خانه برگزیده است. میزان و ترکیب‌هایی که، سبک زندگی والا یا مدرن و نیز سنتی یا نازل را پدید آورده است.

تحقیق حاضر اما، وضعیت سرمایه فرهنگی خانوادگی و سبک زندگی دانشجویان را، بدون طبقه بندی نازل و والا در نظر گرفته است، تا چگونگی انتقال و باز تولید ارزش‌های مدرن و سنتی را در سبک زندگی بیازماید.

به نظر میرسد موضوع سنت و مدرن و از میان رفتن سنت‌ها هنوز محل مناقشه‌ها، چالش‌ها و نگرانی‌هاست چرا که باتوجه به یکسری تحقیقات بود که جوانان مورد قضاوت قرار گرفتند و نگرانی از میان رفتن سنت‌ها در سبک زندگی، روز به روز افزایش یافت. جوانان به اقتضای سن ممکن است در یک دوره‌ای خاص گرایش‌هایی به مظاهر مدرن از خود نشان داده باشند، لاقلاً نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، این رفتار و گرایش، بیان‌کننده‌ی از میان رفتن سنت‌ها و رنگ مدرن گرفتن گرایش‌های ارزشی جوانان به صورت کامل و تا ابد نیست.

اضمحلال سنت و توسعه‌ی نوگرایی و نیز دغدغه‌ی از میان رفتن سنت‌ها در سبک زندگی هنوز مسئله‌ی اساسی در این کشور به خصوص در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی محسوب می‌شود. البته این دغدغه‌ها کاملاً به جا بوده است، چرا که نظریه‌ی نوسازی (قدیم) که کشور ما براساس آن، بنیان‌های نوگرایی خویش را گذاشته است، سنت‌ها را مانع رسیدن به توسعه و پیشرفت می‌دانست و دیدگاه غالب بود که جامعه را نسبت به موضوع سنت حساس می‌کرد. اما طبق دیدگاه جدید نظریه‌ی نوسازی، سنت معنای منفی خود را از دست داده است (آلپین، ۱۳۷۸: ۸۰).

در ایران معاصر، مناقشه بین سنت و مدرن و جمع ناپذیر دانستن آنها و عدم مسامحه در دیدگاه‌ها باعث شده‌است، سنت و مدرن نتوانند با هم به بحث و گفتگو بپردازند و جنبه‌های مثبت و منفی خود را پالایش دهند، بلکه بیشتر به دنبال حذف همدیگر بوده‌اند. به نظر می‌رسد بعد از یک و نیم قرن هنوز تلاش جهت بازتولید تفکرات و رویه‌های کاملاً نوگرایانه یا کاملاً سنت گرایانه، در کشورها موفق نبوده‌است. نتایج این تحقیق بر اهمیت تلفیق‌ها در جامعه ایران صحنه می‌گذارد. از نظر فاضلی (۱۳۷۸) مسیر حرکت در ابعاد فرهنگی و اجتماعی در کشور، همواره سمت و سوی تلفیق بین گذشته‌ی و امروزی‌نگی را پی گرفته است.

بوردیو در مفهوم خشونت نمادین اشاره می‌کند که نمادهای موجود در سرمایه فرهنگی تحمیل می‌شوند خشونت نمادین تحمیل نظام‌های نمادین و معناها (ایضاً فرهنگ) به گروه‌ها و طبقات است.

آنچه مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد، بازتولید و برقراری ارتباط بین دو متغیر نه به جبر ساختاری زمینه و خشونت نمادین، بلکه با انتخاب عاملیت (بنا به نظر گیدنز) صورت پذیرفته است. و در آخر اینکه یافته‌های تحقیق بیان می‌کند، سنت مداری در ایران را نمی‌توان با عامیانه بودن طبق نظر بوردیو تعریف، طبقه بندی و سنجید. دست‌آورد تحقیق این است که در جامعه‌ی مطالعه شده، مناسبات بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی - البته نه به صورتی که پیورودیو در نظر داشت - بلکه با لحاظ شاخص‌های سنت مدارانه، نوگرایانه و تلفیق گرایانه، تایید شده‌است.

سپاسگزاری

تحقیق با بهره گیری از نظرات اساتید زیر؛ چه در اعتبار سنجی پرسشنامه و سنجش روایی و چه در دریافت نظراتشان در مورد پژوهش حاضر، انجام یافته است. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند تا از ایشان قدردانی و مراتب تشکر خود را اعلام نمایند، آقایان:

اساتید حوزه هنر: دکتر حبیب الله آیت‌اللهی - دکتر حبیب الله صادقی - دکتر محمدعلی رجبی - دکتر مصطفی گودرزی - دکتر مهدی مکی نژاد - دکتر مهدی امرائی.

اساتید جامعه شناس: دکتر امیر ملکی - دکتر محمد رضامردی - دکتر تقی آزاد ارمکی - دکتر علیرضا محسنی تبریزی - دکتر نعمت الله فاضلی - دکتر مجید کفاشی - دکتر بیژن زارع.

منابع

۱. ابادری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۰، شماره ۰، آذر ماه.

۲. ابراهیمی قربانعلی؛ بهنوئی گدنه عباس (۱۳۸۹)، بررسی جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت های اجتماعی و فردی در بین جوانان (مطالعه موردی شهر بابلسر). جامعه شناسی مطالعات جوانان . دوره ۱. شماره ۳ زمستان .
۳. ابراهیمی، قربانعلی؛ بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۹)، سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه شناختی سبک زندگی و مؤلفه های آن در بین دختران و پسران شهر بابلسر. علوم اجتماعی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۳۸۹ - شماره ۱۸. صفحه ۱۳۹ تا ۱۶۴ .
۴. ازکیا، مصطفی؛ سکینه، حسینی رودبارکی (۱۳۸۹)، تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، رفاه اجتماعی دوره دهم ، شماره ۳۷ .
۵. اسدالهی، عبدالرحیم؛ حسین زاده، علی حسین؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ نبوی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان اهوازی؛ یک پیمایش منطقه ای. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره اول، صفحه ۱۶-۱ .
۶. اعظم آزاده، منصوره (۱۳۷۹)، عدم تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامد های اجتماعی آن . پایان نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران .
۷. آزاد ارمکی، تقی؛ شالچی وحید (۱۳۸۴)، دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ، مطالعات فرهنگی و ارتباطات شماره ۴ پاییز و زمستان .
۸. آزاد ارمکی ، تقی (۱۳۸۵) ، علم ومدرنیته ی ایرانی، انتشارات موسسه تحقیقات وتوسعه علوم انسانی، چاپ اول .
۹. آزاد ارمکی، تقی؛ ملکی امیر. (۱۳۸۶)، رابطه ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. نامه علوم اجتماعی. دوره ۳۰ .
۱۰. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات همایش). انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام .
۱۱. آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) «بدن به مثابه رسانه هویت»، مجله انجمن جامعه شناسی ایران دوره چهارم، ش ۴ .
۱۲. آلون ی، سو (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی وتوسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی، نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی .
۱۳. ابراهیمی، قربانعلی؛ بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۸۹) سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه شناختی سبک زندگی و مؤلفه های آن در بین دختران و پسران شهر بابلسر. علوم اجتماعی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۳۸۹ - شماره ۱۸ .
۱۴. ازکیا، مصطفی؛ سکینه، حسینی رودبارکی (۱۳۸۹)، تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، رفاه اجتماعی دوره دهم ، شماره ۳۷ .
۱۵. برناردز ، جان (۱۳۹۰)، در آمدی بر مطالعات خانواده. ترجمه حسین قاضیان. تهران: (چاپ سوم)، نشر
۱۶. بنت، اندی (۱۳۸۶) ، فرهنگ زندگی روزمره. ترجمه لیلای جو افشانی و حسن چاوشیان. چاپ اول . نشر اختران .
۱۷. بوردیو، پی یر (۱۳۸۶)، علم علم و تأمل پذیری. ترجمه یحیی امامی. تهران : مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور .
۱۸. بوردیو، پی یر (۱۳۸۹)، شکل های سرمایه؛ سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز، تهران: انتشارات شیرازه
۱۹. بوردیو، پی یر (۱۳۹۱)، تمایز. تهران: ترجمه حسن چاوشیان. نشر ثالث
۲۰. بوردیو، پی یر (۱۳۸۱)، نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
۲۱. تراسبی، دیوید (۱۳۹۲)، اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، چاپ ششم، تهران: نشر نی
۲۲. خواجه نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلای؛ همت، صغری (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی مطالعه موردی: جوانان شهر بندر عباس، مطالعات ملی، دوره ۱۵ شماره ۱
۲۳. ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) ، خرده فرهنگ، سبک زندگی و هویت، مجله: رشد آموزش علوم اجتماعی شماره ۲۰ و ۲۱، صفحه ۲۳
۲۴. ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۶)، جامعه شناسی جوانان . تهران: موسسه انتشارات آگه
۲۵. ذکائی ، محمد سعید (۱۳۸۱)، گذار به بزرگ سالی و جوانی رو به تغییر ، مجله جامعه شناسی ایران ، شماره ۳ .
۲۶. رحمت آبادی، الهام؛ آقابخشی حمید (۱۳۸۵) سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم شماره ۲۰.
۲۷. رضایی، محمد؛ تشویق، فاطمه (۱۳۹۱)، بازخوانی سنجه های سرمایه فرهنگی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره صفر، بهار.
۲۸. رضایی، زهرا؛ منوچهر، پهلوان؛ ابوالقاسم، حیدرآبادی (۱۳۸۹)، علل گرایش جوانان به سمت سبک موسیقی غرب، مطالعه موردی جوانان شهرستان آمل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

۲۹. زارع بیژن؛ فلاح مهدی (۱۳۹۱)، بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل موثر بر آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان.
۳۰. شارع پور محمود؛ خوش‌فر غلامرضا (۱۳۸۱)، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
۳۱. شالچی، وحید (۱۳۸۷)، سبک زندگی جوانان کافی شاپ، تحقیقات اجتماعی شماره ۱؛ تهران.
۳۲. شعبانی مرتضی؛ معصومی راد رضا؛ تائبی، هوشنگ (۱۳۹۱)، بررسی وضعیت سبک زندگی و ابعاد آن: اوقات فراغت، مصرف فرهنگی و مدیریت بدن در بین جوانان شهر رودسر. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، چاپ نشده. دانشگاه پیام نور تهران غرب.
۳۳. شهایی، محمد. (۱۳۸۶)، سبک های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، الگوهای سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات همایش). انتشارات: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳۴. صداقت زادگان، شهناز؛ فردرو، محسن (۱۳۷۸)، پایگاه اقتصادی اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، نشر زهد.
۳۵. صمیم، رضا (۱۳۹۳)، نگاهی انتقادی به پیشینه ی داخلی مطالعات جامعه شناختی بر روی سبک زندگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
۳۶. غائب، فریده؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۶)، سرمایه فرهنگی و تاثیر آن بر سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۳۷. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، سازه سرمایه فرهنگی و منابع مولد آن، رشد علوم اجتماعی، دوره دوازدهم شماره ۲، صفحه ۱۸.
۳۸. فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، بهار، صفحه ی ۱۷۵-۱۹۸.
۳۹. فاضلی، نعمت الله (۱۳۷۸)، مدرن یا امروزی شدن فرهنگ. تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
۴۰. فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۵)، جوانان و انقلاب در سبک زندگی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی تابستان - شماره ۳۱.
۴۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق ..
۴۲. کفاشی، مجید؛ عباس نژادعربی، کاظم (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل). پژوهش اجتماعی، دوره ۳ شماره ۹ زمستان ۱۳۸۹.
۴۳. گروسی، سعیده؛ گروسی، بهشید؛ امیر حیدی، اسماء (۱۳۹۱) بررسی رابطه نگرش جنسیتی در بین زنان شهر کرمان، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی سال ۱۴، شماره ۳۴ و ۳۵، پاییز و زمستان.
۴۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: چاپ دوم، نشر نی.
۴۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: چاپ پنجم، نشر نی.
۴۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، راه و رسم. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر شیرازه.
۴۷. مجد، علی اکبر؛ صدر نبوی، رامپور؛ بهروان، حسین؛ هوشمند، محمود (۱۳۸۹)، سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین. علوم اجتماعی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. پاییز و زمستان شماره ۱۶
۴۸. محمدی، جمال؛ وداد هیر، ابو علی؛ محمدی، فردینه (۱۳۹۱)، مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سنج، کردستان. مجله جامعه شناسی سال سیزدهم، شماره ۴.
۴۹. محمدی بخشمنند، توفیق (۱۳۹۴)، تعادل اجتماعی پویا (مجموعه گفتار هایی در مورد فرهنگ و جامعه). تهران: آرنا.
۵۰. ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، معرفی مفهوم طبقه از نظر بورديو، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره (۴۲ - ۴۱)، بهار و تابستان.
۵۱. منادی مرتضی (۱۳۸۶)، سرمایه فرهنگی و فضا های فرهنگی خانواده، فصلنامه خانواده و پژوهش سال اول، شماره ۱.
۵۲. منادی، مرتضی (۱۳۸۵)، هنر در انتخاب های زندگی روزمره، نشریه خیال، فرهنگستان هنر، شماره ۱۷.
۵۳. نوربخش، مرتضی (۱۳۸۷)، نقش سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خانواده در موفقیت تحصیلی افراد. پایان نامه دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۵۴. نوغانی، محسن (۱۳۸۶)، تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، شماره ۹۱.
۵۵. نیازی محسن؛ کارکنان محمد (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی؛ سال هشتم، شماره ۳.
۵۶. مکارمی، حسین (۱۳۹۴) ارزش چیست و ارزش ها کدامند؟ سایت حسین مکارمی تاریخ مراجعه خرداد. لینک: <http://www.makaremi.com/arzeshchist-ir> (تاریخ انتشار ۱۳۸۸)

57. Bourdieu, Pierre ,(1984). *Distinction. A Social Critique of the Judgement of Taste*, Routledge, London.
58. Chaney, David, (1996). *Lifestyle*. London: Rutledge.
59. Carol Yeh-Yun, Lin,(2011). *National intellectual capital : a comparison of 40 countries*, Leif Edvinsson, New York , Springe
60. DiMaggio, Paul. (1994) "Culture and Economy". Pp. 27-57 in *The Handbook of Economic Sociology*, Edited by N. J. Smelser and R. Swedberg. Princeton, NJ: Princeton University Press.
61. Hamilton, Peter ,(2002). "The street and Everyday Life" in T. Bennet and D.Watson(ed) *Understanding Everyday Life*. Oxford: Open University and Blackwell.
62. Rodan /P.N.Rosenstein, (2010). *Capital Formation and Economic Development : Studies in the Economic Development on India*, Unwin LTD , Routledge.
63. Throsby, David (1999), 'Cultural capital', *Journal of Cultural Economics*, 23-.
64. Lamont ,Michele; Lareau, Annette ,.(1988) *Cultural Capital: Allusions, Gaps and Glissandos in Recent Theoretical Developments*, *Sociological Theory*, Vol. 6, No. 2. (Autumn), pp. 153-168.
65. Kwon, roo, Jin. (2007). "Taste in appearance: Self, cultivated dispositions, and cultural capital." A dissertation submitted to the graduate faculty in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of PHILOSOPHR, Iowa state university.
66. Weininger, Elliot B & Lareau, Annette (2006), *Cultural capital*, University of Maryland, College Park.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی: ۲۱)، پاییز ۱۴۰۱